

The Effect of Corporate Governance Quality Index on Limiting Earning Management Using Unusual Transactions with Related Parties in Listed Companies in Tehran Stock Exchange

Seyyed Abdolmajid Jalae¹
Akbar Rahimipoor²
Hedyeh Mir³
Mahmoud Jamal Zadeh⁴

Abstract

In recent decades due to financial scandals, corporate governance has received special attention in the field of accounting. The transaction with related parties is of the usual features of current activities. So this study was to evaluate the effect of corporate governance quality index on limiting earning management using unusual transactions with related parties in 70 companies listed in Tehran Stock Exchange during the period 2010-2015. The results of the data analysis showed that corporate governance has significant effects on unusual transactions with related parties. This result shows the importance of corporate governance and efforts to improve it and help improve earning management.

Keywords: Corporate governance, earning management, unusual transactions with related parties.

JEL: G30, L2, C 4

¹ Professor, Department of Economics, Shahid Bahonar University, Kerman, Iran
, Email: jalae@uk.ac.ir

Young Researchers and Elite Club, Sirjan Branch, Islamic Azad University, Sirjan, Iran
Corresponding Author, Email: Akbarrazraz83@yahoo.com

³ Young Researchers and Elite Club, Sirjan Branch, Islamic Azad University, Sirjan, Iran
, Email: Mahmoud Jamal Zadeh

⁴ Department of Accounting, Rafsanjan Branch, Islamic Azad University, Rafsanjan, Iran
Email: Mr.jamalzade@yahoo.com

تأثیر شاخص کیفیت حاکمیت شرکتی بر محدود کردن مدیریت سود با استفاده از معاملات غیر معمول با اشخاص وابسته در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق

بهادار تهران^۱

سید عبدالمجید جلابی^۲، اکبر رحیمی پور^۳، هدیه میر^۴ و محمود جمال‌زاده^۵

چکیده

حاکمیت شرکتی مقوله‌ای است که در دهه‌های اخیر به دلیل افزایش رسوایی‌های مالی، مورد توجه ویژه پژوهشگران حوزه حسابداری قرار گرفته است. همچنین معامله با اشخاص وابسته از ویژگی‌های معمول فعالیت‌های جاری است. بنابراین این پژوهش به بررسی اثر شاخص کیفیت حاکمیت شرکتی بر محدود کردن مدیریت سود با استفاده از معاملات غیر معمول با اشخاص وابسته در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌پردازد. نمونه آماری پژوهش را تعداد ۷۰ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در طی سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۳ تشکیل می‌دهند. نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها نشان داد حاکمیت شرکتی بر معاملات غیر معمول با اشخاص وابسته تأثیر معناداری دارد. این نتیجه نشان‌دهنده اهمیت توجه به حاکمیت شرکتی و تلاش در جهت بهبود آن و کمک به بهبود مدیریت سود است.

واژه‌های کلیدی: حاکمیت شرکتی، مدیریت سود، معاملات غیر معمول با اشخاص وابسته.

طبقه‌بندی موضوعی: G30, L2, C4

کد DOI مقاله: ۱۰.۲۲۰۵۱/jfm.۲۰۱۷.۱۲۱۸۷.۱۱۷۰

^۱ استاد دانشکده اقتصاد، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران. Email: jalae@uk.ac.ir

^۲ باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، واحد سیرجان، دانشگاه آزاد اسلامی، سیرجان، ایران.

Email: Akbarrazraz^{۸۲}@yahoo.com

^۳ باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، واحد سیرجان، دانشگاه آزاد اسلامی، سیرجان، ایران

Email: hedyehmir^{۲۳_۳۵}@yahoo.com

^۴ دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رفسنجان

Email: Mr.jamalzade@yahoo.com

مقدمه

گسترش معاملات با اشخاص وابسته و افزایش به کارگیری این معاملات در شرکت‌ها و همچنین دامنه‌ای گسترده از ساختارها و روابط به طوری که موجب افزایش پیچیدگی در معاملات با اشخاص وابسته شود و سامانه‌های اطلاعاتی نیز در تشخیص یا تلخیص معاملات و مانده حساب‌های بین واحد تجاری و اشخاص وابسته آن اثربخش نباشد، ایجاب می‌نماید که جهت کاهش جرائم مالی و بهبود عملکرد شرکت‌ها، سازوکارهای نظارتی ایجاد گردد. از جمله چنین سازوکارهای نظارتی، طراحی و اجرای نظام حاکمیت شرکتی مناسب در شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی است (رخشان و همکاران، ۱۳۹۰).

رابطه با شخص وابسته می‌تواند بر وضعیت، عملکرد و انعطاف‌پذیری مالی واحد تجاری تأثیر داشته باشد. اشخاص وابسته ممکن است معاملاتی انجام دهند که اشخاص غیر وابسته انجام نمی‌دهند و مبالغ معاملات بین اشخاص وابسته ممکن است با مبالغ مشابه بین اشخاص غیر وابسته یکسان نباشد. به دلایل مذکور، آگاهی از معاملات، مانده حساب‌های طرفین و رابطه با اشخاص وابسته، ممکن است بر ارزیابی استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی از عملیات واحد تجاری، شامل ارزیابی ریسک و فرصت‌های پیش روی واحد تجاری تأثیر بگذارد. (کامیابی و همکاران، ۱۳۹۵)

به دلیل مشکلات نمایندگی امکان دارد مدیران شرکت‌ها از منابع شرکت در جهت افزایش ثروت سهامداران استفاده نکنند. صاحب‌نظران امروزه بهترین راه‌حل این مشکل را در بهبود حاکمیت شرکت‌ها می‌دانند. حاکمیت شرکتی شامل معیارهایی است که می‌تواند با افزایش عدم تمرکز در کنترل شرکت‌ها، از قدرت مدیران در پیگیری منافع شخصی کاسته و باعث بهبود عملکرد شرکت‌ها شود. حاکمیت شرکتی از طریق مالکیت سهام، تأثیر چشمگیری بر روش کنترل شرکت‌ها داشته است. بدین ترتیب، مالکان اداره شرکت را به مدیران تفویض کردند و بازارهای بورس اوراق بهادار شکل گرفت. یکی از ابزارهای تخصیص بهینه منابع، بازارهای اوراق بهادار است. (حساس یگانه، ۱۳۸۴).

در سال ۱۹۲۹ بحرانی بزرگ در بورس امریکا پدید آمد که علت آن، مشکل نمایندگی بود. مشکل نمایندگی یا جدا شدن مالکیت از مدیریت ابتدا توسط آدام اسمیت در سال ۱۷۷۶ مطرح شد (دراپتر و شیلهافر وزیرمن، ۲۰۰۴) و برای اولین بار توسط برل و مینز (۱۹۳۲) تجزیه و تحلیل شد. امروزه این جدایی بانام مشکل نمایندگی شناخته می‌شود و بدین معنا است که چگونه می‌توان اطمینان داشت که مدیران از آزادی عمل خویش در راستای منافع سرمایه‌گذاران استفاده خواهند کرد (دراپتر و همکاران، ۲۰۰۴) و (جنسن و مگکلینگ، ۱۹۷۶).

پس از پیدایش مشکلات نمایندگی به جهت حفظ منافع عمومی باید اطلاعات مصون‌سازی شده و منافع مدیران و مالکان همسو شود. از ابزارهای مختلفی در این خصوص استفاده شد. مثل کاربرد تئوری اخلاق در حسابداری، ایجاد استانداردهای حسابداری، کنترل‌های داخلی، حسابرسی داخلی و مستقل، وجود مدیران غیرموظف در هیئت‌مدیره و به کارگیری رویه‌های بلندمدت پاداش. با این همه بازهم مشکلات کمتر نشده بلکه پیچیدگی‌های آن بیشتر شده است. معیارهای کنترلی که به منظور کاهش مشکلات نمایندگی در نظر گرفته شده بود، نه تنها کارا نبوده بلکه حداقل نظارت‌ها را نیز اجرا نمی‌کرد. در واقع تمامی معیارهای ذکر شده به صورت ظاهری و فقط در جهت رعایت قوانین بودند بدون اینکه بتوانند از منافع سهامداران در مقابل مدیران حمایت کنند. علت آن شاید نبود مکانیسم‌هایی از حاکمیت شرکتی است که بتواند علاوه بر مطابقت با تمام معیارهای گفته شده، به هدف غایی شرکت یعنی افزایش منافع سهامداران و نیز بهبود عملکرد شرکت منجر شود. (بال و شیواکومار، ۲۰۱۵).

حاکمیت شرکتی به معنای قوانین، مقررات، ساختارها، فرهنگ‌ها و سامانه‌هایی است که موجب دستیابی به هدف‌های پاسخگویی، شفافیت، عدالت و رعایت حقوق ذینفعان می‌شود (حساس یگانه و باغومیان، ۱۳۸۴).

حاکمیت شرکتی پیش از هر چیز، حیات بنگاه اقتصادی در درازمدت را، هدف قرار داده و در صدد است تا از منافع سهامداران در مقابل مدیریت سازمان‌ها حفاظت کند. دو هدف حاکمیت شرکتی عبارت است از:

۱. کاهش ریسک بنگاه اقتصادی از طریق بهبود و ارتقای شفافیت و پاسخگویی.
۲. بهبود کارایی درازمدت سازمان، از طریق جلوگیری از خودکامگی و عدم مسئولیت‌پذیری مدیریت اجرایی.

مدیریت سود یکی از مفاهیم مهم و پیچیده در فعالیت تجاری شرکت‌ها است که از عوامل مختلفی تأثیر می‌پذیرد. که یکی از این عوامل حاکمیت شرکتی است که هنگامی در وضعیت مناسبی قرار داشته باشد تأثیر بسزایی در پیشرفت و بهبود عملکرد شرکت‌ها دارد (کیسی و همکاران، ۲۰۰۵). اهمیت حاکمیت شرکتی در جهان به حدی است که موسسه رتبه‌بندی استانداردند پورز^۶ معیارهای چهارگانه، ساختار مالکیت، روابط ذینفعان مالی، ساختار و عملکرد هیئت‌مدیره و پاسخگویی، شفافیت و افشای اطلاعات را برای حاکمیت شرکتی معرفی کرده است (اسعدی، ۱۳۹۵).

^۶ Standard & Poors

بنابراین با توجه به مباحث مطرح شده، هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر شاخص کیفیت حاکمیت شرکتی بر محدود کردن مدیریت سود با استفاده از معاملات غیرمعمول با اشخاص وابسته در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. در ادامه این پژوهش به بررسی پیشینه پژوهش، روش پژوهش و آزمون فرضیات و نتایج آن می‌پردازد.

مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش

موضوع حاکمیت شرکتی از دهه ۱۹۹۰ در کشورهای صنعتی پیشرفته جهان نظیر انگلستان، استرالیا و برخی کشورهای اروپایی مطرح شد. در گزارش کادبری (۱۹۹۲) به وجود سهامداران نهادی و برقراری سیستم کنترل داخلی و حسابرس داخلی تأکید زیادی شده بود. این گزارش در سال ۱۹۹۵ توسط کمیته گرین بری بررسی مجدد و در سال ۱۹۹۸ توسط کمیته هامپل نهایی شد. اکثر کشورهای جهان از جمله انگلستان، چین، کره، کانادا و استرالیا دارای چنین نظام‌نامه راهبری به صورت مدون هستند. در آمریکا نیز افشای ماجرای انتخابات واترگیت و همچنین تقلب در بازار سرمایه آمریکا در سال ۲۰۰۱ باعث تصویب قانونی به نام ساربینز آکسلی یا همان حاکمیت شرکتی شد. حاکمیت شرکتی عبارت از فرآیند نظارت و کنترل برای تضمین عملکرد مدیر شرکت مطابق با منافع سهامداران است (نجار و تیلور^۷، ۲۰۰۸).

جایگاه هیئت مدیره شرکت به عنوان نهاد هدایت کننده‌ای که نقش مراقبت و نظارت بر کار مدیران اجرایی را به منظور حفظ منافع مالکیتی سهامداران بر عهده دارد، دارای اهمیت ویژه‌ای است (مشایخ و اسماعیلی، ۱۳۸۵). شرکت‌ها معتقدند که حاکمیت شرکتی مناسب، مدیریت و کنترل اثربخش واحدهای تجاری را تسهیل می‌کند و از این رو قادر به ارائه بازده بهینه برای همه ذی‌نفعان هستند (الساید و واهبا^۸، ۲۰۱۳).

تعریف سازمان IFAC در سال ۲۰۰۲ حاکمیت شرکتی عبارت است از مسئولیت‌ها و شیوه‌های اعمال شده توسط هیئت مدیره و مدیران باهدف مشخص کردن مسیر راهبردی است که تضمین کننده دستیابی به اهداف، کنترل مناسب ریسک‌ها و مصرف منابع به‌طور مسئولانه باشد.

^۷ Najjar and Taylor

^۸ Elsayed&Wahba

تری گر^۹ (۱۹۹۴) حاکمیت شرکتی تنها مربوط به اداره عملیات شرکت نیست بلکه مربوط به هدایت، نظارت و کنترل اعمال مدیران اجرایی و پاسخگویی آن‌ها به تمام ذینفعان شرکت یا اجتماع است.

پارکینسون^{۱۰} (۱۹۹۴) حاکمیت شرکتی عبارت است از فرایند نظارت و کنترل برای تضمین اینکه مدیریت شرکت مطابق با منافع سهامداران عمل می‌نماید.

از جمله عواملی که در بازارهای سرمایه، به‌ویژه در بازارهای نوپا، به‌عنوان مؤلفه مؤثر بر ارتباط ارزشی شناسایی شده است، معاملات غیرمعمول با اشخاص وابسته به‌عنوان شاخصی از مدیریت سود است که از موضوعات روز بازار سرمایه ایران و جهان است. پژوهش حاضر از جمله پژوهش‌های پراهمیت در حوزه حسابداری است، زیرا که رخدادهای بالقوه، سرمایه‌گذاری‌های روزانه و معیارهای انتخاب سرمایه‌گذاران را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بر این اساس سوا لاتی مطرح می‌شود: نقش شاخص کیفیت حاکمیت شرکتی و محدود کردن مدیریت سود با استفاده از معاملات غیرمعمول با اشخاص وابسته چیست؟

حاکمیت شرکتی و مدیریت سود

حاکمیت شرکتی مجموعه ابزارهای هدایت و کنترل است که با استفاده از قوانین، مقررات، ساختارها، فرایندها، فرهنگ‌ها و سامانه‌ها موجب دستیابی به هدف‌های پاسخگویی، شفافیت، عدالت و رعایت حقوق ذینفعان می‌شود. (حساس یگانه و باغومیان، ۱۳۸۴).

کیفیت گزارشگری به میزان بیان و آشکارسازی وضعیت اقتصادی یک شرکت به‌وسیله گزارش‌های مالی و عملکرد آن در طول دوره مالی به شیوه صحیح و صادقانه اشاره دارد. سود حسابداری و اجزای مربوط به آن از مهم‌ترین منابع اطلاعاتی استفاده‌کنندگان به‌شمار می‌آید و سهامداران که مهم‌ترین گروه از استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی هستند تصمیمات مربوط به امور سرمایه‌گذاری‌شان را عمدتاً بر اساس سود حسابداری اتخاذ می‌نمایند، لذا مدیریت سود از اهمیت ویژه‌ای نزد استفاده‌کنندگان برخوردار است. هر چه حاکمیت شرکتی مؤثرتر باشد و باعث کاهش مشکل نمایندگی شود، از دیدگاه یک سهامدار عملکرد شرکت بهتر خواهد بود و کیفیت سود چیزی کمتر از یک امر مسئله‌ساز خواهد بود. به‌هرحال شناسایی سازوکارهایی که بتواند موجب افزایش کیفیت سود و کاهش تضاد منافع موجود بین ذینفعان شود از اهمیت ویژه‌ای

^۹Tricker

^{۱۰} Parkinson

برخوردار است. این اهداف می‌تواند به وسیله یک حاکمیت شرکتی مطلوب برآورده شود (اسماعیل‌زاده مقری و همکاران، ۱۳۸۹).

ساختار هیئت‌مدیره

از میان ویژگی‌های متعددی که در مورد هیئت‌مدیره مطلوب در ساختار حاکمیت شرکتی مطرح است دو ویژگی زیر در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است:

الف. وجود مدیران غیرموظف در ترکیب هیئت‌مدیره (استقلال هیئت‌مدیره)

ب. تفکیک وظایف مدیرعامل از رئیس و نایب‌رئیس هیئت‌مدیره. (نیلسون و واویرو، ۲۰۱۴) (اسماعیل‌زاده مقری و همکاران، ۱۳۸۹).

استقلال هیئت‌مدیره

هیئت‌مدیره یکی از سازوکارهای مهم حاکمیت شرکتی تلقی می‌شود و نقش مهمی در بهبود کیفیت گزارشگری مالی و افزایش پاسخگویی ایفا می‌کند. مدیران مستقل می‌توانند با درک درست نقش نظارتی و راهبری خود، سلامت مالی بنگاه را به ارمغان آورده و مانع تضاد منافع بین بازیگران نظام حاکمیت شرکتی شوند. (باندی، ۲۰۱۲).

بر همین اساس در بیشتر پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه حاکمیت شرکتی بر اهمیت نقش مدیران غیر اجرایی در بهبود فرآیند گزارشگری تأکید شده و جایگاه هیئت‌مدیره شرکت به‌عنوان نهاد هدایت‌کننده‌ای که نقش مراقبت و نظارت بر کار مدیران اجرایی را بر عهده دارد، بیش‌ازپیش اهمیت می‌یابد. از دیدگاه نظریه نمایندگی می‌توان چنین فرض کرد که مدیران غیرموظف (غیر اجرایی) وظیفه نظارت بر سایر اعضای هیئت‌مدیره را بر عهده‌دارند. برخی از پژوهش‌های علمی نشان داده است که وظیفه نظارت مدیران غیرموظف (غیر اجرایی) بر مدیریت سود به نحو مؤثر اعمال شده است. سی وار ماکر یشنان و یو (۲۰۰۸)، سیتا آماجا و همکاران (۲۰۰۸)، کلین (۲۰۰۲)، رامیسی و مدر (۲۰۰۵) به این نتیجه رسیدند که هنگامی که تعداد مدیران غیرموظف در ترکیب هیئت‌مدیره افزایش می‌یابد اقلام تعهدی کاهش می‌یابد و مدیران غیرموظف موجب مدیریت سود می‌شوند.

یکی از مهم‌ترین بازیگران نظام حاکمیت شرکتی، سهامداران است زیرا آن‌ها تأمین‌کنندگان سرمایه شرکت‌ها هستند و حفظ اعتماد آنان از اهمیت زیادی برخوردار است. سهامداران با انتخاب اعضای هیئت‌مدیره، به‌طور غیرمستقیم در تصمیم‌گیری‌های شرکت نقش ایفا می‌کنند و سهامداران نهادی و عمده با توجه به اینکه قادر به انتخاب یک یا چند عضو هیئت‌مدیره هستند می‌توانند در کاهش هزینه‌های نمایندگی مؤثر واقع شوند. در یک نظام حاکمیت شرکتی مطلوب مدیران به هیئت‌مدیره و هیئت‌مدیره به سهامداران و سایر ذینفعان پاسخگو هستند (بانگ و همکاران، ۲۰۰۸).

اندازه شرکت

طبق پژوهش‌های انجام‌شده، اندازه شرکت به‌عنوان یک عامل بالقوه تأثیرگذار در مدیریت سود در نظر گرفته شده است. کلارکسون (۲۰۰۰) و چن (۱۹۹۶) بیان می‌کنند که شرکت‌های بزرگ‌تر دارای یک فرآیند سود ثابت و دائمی بوده که قابلیت پیش‌بینی بهتری را خواهد داشت؛ بنابراین شرکت‌های بزرگ‌تر از مدیریت سود بهتری برخوردار هستند.

معاملات غیرمعمول با اشخاص وابسته

بر اساس استاندارد حسابداری شماره ۱۲ ایران، معامله با شخص وابسته این‌گونه تعریف می‌شود: انتقال منابع، خدمات یا تعهدهای بین اشخاص وابسته، صرف‌نظر از مطالبه یا عدم مطالبه بهای آن. رابطه با شخص وابسته می‌تواند بر وضعیت مالی، عملکرد مالی و انعطاف‌پذیری مالی واحد تجاری تأثیر داشته باشد. اشخاص وابسته، ممکن است معاملاتی انجام دهند که اشخاص غیر وابسته انجام نمی‌دهند. همچنین مبالغ معاملات بین اشخاص وابسته، ممکن است با مبالغ مشابه بین اشخاص غیر وابسته یکسان نباشد. به دلایل مذکور آگاهی از معاملات، مانده حساب‌های طرفین و رابطه با اشخاص وابسته، ممکن است بر ارزیابی استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی از عملیات واحد تجاری، شامل ارزیابی ریسک و فرصت‌های پیش روی واحد تجاری، تأثیر بگذارد (استانداردهای حسابداری ایران، ۱۳۸۶).

معاملات غیرمعمول با اشخاص وابسته و مدیریت سود

معامله با اشخاص وابسته را می‌توان از دیدگاه دو نظریه بررسی کرد. با توجه به فرضیه تضاد منافع، گاهی انگیزه برای معاملات با اشخاص وابسته این است که دارایی‌های شرکت به نفع اشخاص وابسته از تملک شرکت خارج شود و مدیر برای سرپوش گذاشتن بر آن، به مدیریت سود اقدام کند؛ اما فرضیه معامله کارآمد حاکی از آن است که گاهی برای دسترسی به تجربه،

تخصص و مهارت منحصر به فرد اشخاص وابسته یا جبران خدمات، معامله با آن‌ها انجام می‌گیرد که در این صورت، انگیزه‌ای برای مدیریت سود وجود ندارد. (گوردن و هنری، ۲۰۰۵) تصاحب منابع شرکت از طریق معاملات با اشخاص وابسته، در کشورهای توسعه یافته مرسوم است، اما به دلیل نقص بازارهای خارجی و ضعف راهبری شرکتی، این رخداد در اقتصادهای نوظهور بیشتر مشاهده می‌شود. در بسیاری از موارد، معاملات با اشخاص وابسته گریزناپذیر و سودمند است و در چرخه عملیات شرکت تکرار می‌شود؛ ولی در شرایط خاص، به سهام‌داران عمده یا مدیران شرکت‌ها اجازه می‌دهد با هزینه سهام‌داران خرد، منافع شخصی خود را تأمین کنند (شعری و حمیدی، ۱۳۹۱).

بخش عمده‌ای از ادبیات مدیریت سود، به دنبال توضیح انگیزه‌های مدیریت سود با استفاده از نظریه نمایندگی است. این در حالی است که بر اساس نظریه نمایندگی، به دلیل جدایی مالکیت از مدیریت و وجود تضاد منافع بین این دو، معاملات با اشخاص وابسته ممکن است موجب از دست رفتن ثروت سهامداران شود و مدیر برای سرپوش گذاشتن روی این انتقال ثروت، ممکن است به مدیریت سود اقدام کند. استاندارد گذاران اشاره می‌کنند، معاملات با اشخاص وابسته مبین سلب مالکیت احتمالی بالقوه منابع شرکت است. (گوردن و هنری، ۲۰۰۵).

کلبک و می‌هو (۲۰۰۴) اظهار کردند که بر اساس نظریه نمایندگی، معاملات با اشخاص وابسته نگرانی را افزایش می‌دهد؛ چراکه مدیران با انتقال نامناسب ثروت، سود و قابلیت اعتماد صورت‌های مالی را کاهش می‌دهند و موجب کاهش اثر قراردادهای طراحی شده برای کاهش تضاد نمایندگی و در نهایت، خسارت سهامداران شرکت‌ها می‌شوند.

تاکنون پژوهش‌های زیادی در مورد عوامل تأثیرگذار بر مدیریت سود انجام شده است. این عوامل شامل قراردادهای بدهی، هزینه‌های سیاسی، طرح‌های پاداش و مالکیت، وجه نقد ناشی از عملیات شرکت‌های تولیدی، کیفیت افشا، مالکیت نهادی سهام و اطلاعات بازار درباره عوامل بنیادی مدیریت سود هستند (باباجانی و تحریری، ۱۳۹۲).

این پژوهش به دنبال آزمون تجربی این مسئله است که معاملات با اشخاص وابسته در جامعه مورد بررسی، بر اساس کدام فرضیه انجام گرفته است. به گفته دیگر پژوهش پیش رو، در پی دستیابی پاسخ به این سؤال‌ها است که آیا ممکن است مدیران با استفاده از معاملات با اشخاص وابسته اقدام به مدیریت سود کنند؟ آیا معاملات با اشخاص وابسته می‌تواند یکی دیگر از انگیزه‌های مدیریت سود باشد؟ آیا حاکمیت شرکتی می‌تواند بر مدیریت سود با استفاده از معاملات با اشخاص وابسته تأثیر بگذارد؟

از بازنگری پژوهش‌های انجام شده درمی‌یابیم که مؤلفه‌های مختلفی برای انگیزه مدیریت سود مطرح شده‌اند، ولی معاملات با اشخاص وابسته به منزله یک انگیزه احتمالی برای مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تاکنون مورد بررسی قرار نگرفته است.

شاخص کیفیت حاکمیت شرکتی

شاخص حاکمیت شرکتی برای تعیین کیفیت حاکمیت شرکتی است. در طراحی شاخصی جامع برای اندازه‌گیری کیفیت حاکمیت شرکت‌ها، معیارهای متنوعی از حاکمیت شرکتی می‌تواند بکار گرفته شود به‌عنوان مثال: شفافیت اطلاعاتی، ساختار هیئت‌مدیره، ساختار مالکیت و کنترل، برنامه‌های پاداش برای مدیران و کارمندان، ساختار سرمایه، رقابت بازار، رقابت محصولات، سهامداران نهادی و عمده، اندازه شرکت و غیره (آمی هود و لی، ۲۰۱۵).

بنابراین بر اساس معیارهای فوق‌الذکر برای کیفیت حاکمیت شرکتی، شاخص‌های متعددی می‌تواند ایجاد شود که همگی بستگی به بستر اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی هر کشور دارد. به‌عنوان مثال شاخصی که اکثر مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی را تحت پوشش قرار دهد در اروپا و انگلیس توسط بائر، گوشر، اوتن و راجر (۲۰۰۴)، در آلمان توسط درابتر و همکاران (۲۰۰۴)، در کره توسط بلک، جانگ و کیم (۲۰۰۶) و در امریکا توسط گامپرز و همکاران (۲۰۰۳) ایجاد شده است. این شاخص‌ها برای اندازه‌گیری رتبه حاکمیت شرکت‌ها و تعیین ارتباط آن با عملکرد، مدیریت سود و... مورد استفاده قرار می‌گیرند (حساس یگانه و همکاران، ۱۳۸۸).

کیفیت حاکمیت شرکتی و محدود کردن مدیریت سود

طبق پژوهش انجام شده توسط چی (۲۰۰۵)، امکان سه رابطه علت و معلولی بین کیفیت حاکمیت شرکتی و محدود کردن مدیریت سود وجود دارد:

الف. حالت اول نشان‌دهنده این است که رابطه مستقیم و یک‌طرفه بین کیفیت حاکمیت شرکتی و محدود کردن مدیریت سود وجود دارد مبنی بر اینکه کیفیت حاکمیت شرکتی باعث مدیریت سود می‌شود.

ب. حالت دوم این امکان دوسویه می‌شود. به این ترتیب کیفیت حاکمیت شرکتی و محدود کردن مدیریت سود هر دو بر هم اثرگذارند.

ج. حالت سوم حاکی از آن است که کیفیت حاکمیت شرکتی و محدود کردن مدیریت سود به‌طور مستقیم بر هم اثرگذار نیستند بلکه از طریق دخالت متغیر سومی به نام معاملات غیرمعمول با

اشخاص وابسته بر هم اثر می گذارند؛ بنابراین بر اساس پژوهش چی (۲۰۰۵) توابع زیر را می توان در نظر گرفت:

تابع ۱: $GOV = f(OWN, ABNRPT, Control Var)$

تابع ۲: $ABNRPT = f(OWN, GOV, Control Var)$

که در آن:

GOV (کیفیت حاکمیت شرکتی)، OWN (سهامداران نهایی)، ABNRPT (محدود کردن مدیریت سود) است. همچنین متغیرهای کنترلی شامل: شرایط صنعت، اندازه شرکت و سن شرکت است.

پیشینه پژوهش

جبارج و همکاران^{۱۱} (۲۰۱۵) در پژوهشی به بررسی حاکمیت شرکتی و سود سهام پرداختند. نتایج نشان داد که اندازه هیئت مدیره و استقلال مدیران هیئت مدیره تأثیر مثبتی بر سود سهام دارند.

تانگجیتپرم (۲۰۱۳) در پژوهش به بررسی رابطه بین حاکمیت شرکتی و کاهش اثر منفی مدیریت سود پرداخت. این پژوهش نشان می دهد که اثر منفی مدیریت سود بر ارزش شرکت های دارای حاکمیت شرکتی خوب کمتر است؛ اما اثر منفی مدیریت سود بر ارزش شرکت های دارای حاکمیت شرکتی ضعیف بیشتر است؛ زیرا چنین شرکت هایی نسبت به فرصت طلبی مدیران آسیب پذیرتر هستند.

آمارژیت و بیگر^{۱۲} (۲۰۱۲) در پژوهشی اثر حاکمیت شرکتی بر مدیریت سرمایه در گردش در شرکت های تولیدی در آمریکا را بررسی کردند. نتایج پژوهش نشان داد که حاکمیت شرکتی در بهبود کارایی مدیریت سرمایه در گردش نقش بسزایی دارد. به طور کلی، این پژوهش نظریه تهاتر منابع نقدی را پشتیبانی می کند. انگیزه احتیاطی و معاملاتی نقش مهمی در تبیین عوامل مؤثر بر منابع نقدی برای شرکت های آمریکایی دارد.

^{۱۱} Jebaraj et & al

^{۱۲} Amarjit & Biger

لارا همکاران^{۱۳} (۲۰۱۲) در پژوهشی تحت عنوان کمیته‌ی حسابرسی و مدیریت سود به این نتیجه رسیدند که مدت و تعداد جلسات کمیته‌ی حسابرسی رابطه‌ی منفی و معناداری با مدیریت سود دارد و همچنین بین وجود واحد حسابرسی داخلی با مدیریت سود رابطه‌ی منفی وجود دارد.

کوکوی و همکاران^{۱۴} (۲۰۱۱) در پژوهشی، ارتباط بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود را مورد بررسی قرار دادند. این پژوهش بر اساس یک نمونه شامل پنجاه شرکت اندونزیایی طی سال‌های ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ انجام گرفت. آن‌ها فرضیه‌ی پژوهش را بر اساس نظریه‌ی نمایندگی و تضاد منافع توسعه دادند. نتایج تجربی کوکوی و همکاران نشان داد که شواهد آماری معناداری درباره‌ی رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود وجود ندارد.

رحمان و ناصر^{۱۵} (۲۰۱۰) با بررسی صدوسی و یک شرکت چینی شواهدی را به دست آورد که نشان می‌دهد این شرکت‌ها با استفاده از معاملات متعدد با اشخاص وابسته، اقدام به مدیریت سود می‌کنند.

چونگک و زانگک^{۱۶} (۲۰۰۹) در پژوهشی به بررسی حاکمیت شرکتی و مالکیت نهادی پرداختند. این پژوهش نشان می‌دهد که نسبت سهام شرکت که توسط سرمایه‌گذاران نهادی نگهداری می‌شود، باعث افزایش کیفیت ساختار حاکمیت می‌گردد.

چونگک، الدر و کیم^{۱۷} (۲۰۰۹) در پژوهشی به بررسی رابطه بین مدیریت سود و معاملات با اشخاص وابسته پرداختند. یافته‌های پژوهش آن‌ها نشان داد که ارقام تعهدی اختیاری (مقیاس اندازه‌گیری مدیریت سود) رابطه‌ی مثبتی با برخی از انواع معاملات) مانند تأمین مالی با نرخ ثابت از اشخاص وابسته) دارد. آن‌ها در مجموع نتیجه گرفتند که نگرانی در مورد معاملات با اشخاص وابسته، فقط درباره‌ی برخی از انواع معاملات با اشخاص وابسته وجود دارد.

لین، وو، فانگک و وون^{۱۸} (۲۰۱۴) در پژوهشی، رابطه‌ی بین سرمایه‌گذاران نهادی، حاکمیت شرکتی و مدیریت سود را بررسی کردند. نتایج آنان نشان داد با افزایش حاکمیت شرکتی، مدیریت سود افزایش می‌یابد. همچنین بین مدیریت سود و سرمایه‌گذاران نهادی رابطه‌ی منفی برقرار است.

^{۱۳} Laura et al

^{۱۴} Koki

^{۱۵} Raheman and Nasr

^{۱۶} Chung & Zheng

^{۱۷} Kim

سینان و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهشی به بررسی کیفیت حاکمیت شرکتی و مدیریت سود در کشور اردن پرداخته‌اند. پژوهش حاضر باهدف جنبه‌ای از پیامدهای اقتصادی جایگاه حاکمیت شرکتی به بررسی ارتباط بین برخی مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی و مدیریت واقعی سود شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار می‌پردازد. جهت آزمون فرضیه‌های پژوهش از روش داده‌های ترکیبی استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بین مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی و مدیریت واقعی سود ارتباط معکوس وجود دارد. بدین معنی با افزایش مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی میزان دست‌کاری در فعالیت‌های واقعی کاهش می‌یابد.

موسوی شیری و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان "ارزیابی مدیریت سود در سطوح مختلف محافظه‌کاری و سرمایه‌گذاران نهادی با استفاده از قانون بنفورد" به ارزیابی وجود مدیریت سود در سطوح مختلف محافظه‌کاری و سرمایه‌گذاران نهادی است که بر اساس قانون بنفورد محاسبه می‌شود. نتایج آزمون فرضیه‌ها نشان می‌دهد با افزایش سرمایه‌گذاران نهادی، مدیریت سود افزایش می‌یابد که ریشه این امر می‌تواند افق کوتاه‌مدت سرمایه‌گذاران نهادی، تئانی‌های سیاست مدارانه بین سرمایه‌گذاران نهادی و مدیریت و انگیزه زیاد در دست‌کاری سود توسط مدیران باشد. همچنین، نتایج پژوهش حاکی از آن است که سطوح مختلف میزان محافظه‌کاری، تأثیری در مدیریت سود ندارد.

حیدر پور و طاهر وردی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان "تأثیر مدیریت سود بر رابطه حاکمیت شرکتی و کیفیت سود" به بررسی رابطه بین مدیریت سود و کیفیت سود، حاکمیت شرکتی و کیفیت سود، مدیریت سود و حاکمیت شرکتی و کیفیت سود با حضور متغیرهای کنترل پرداختند. پژوهش شامل دو متغیر مستقل (مدیریت سود و حاکمیت شرکتی)، متغیر وابسته (کیفیت سود) و متغیرهای کنترل است. در فرضیه اصلی اول بررسی رابطه بین مدیریت سود با کیفیت سود، در فرضیه دوم بررسی رابطه بین حاکمیت شرکتی با کیفیت سود و در فرضیه سوم بررسی رابطه بین مدیریت سود و حاکمیت شرکتی با کیفیت سود مطرح شده است. نتیجه حاصل از آزمون نشان داد که فرضیه‌های اول و دوم و سوم تأیید شدند و رابطه معناداری بین متغیرها وجود دارد.

قدرتی و فیضی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان "تأثیر حاکمیت شرکتی بر میزان مدیریت سود در بازار بورس اوراق بهادار تهران" به بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی بر میزان مدیریت سود پرداخته‌اند. نتایج نهایی آزمون‌های فوق حاکی از عدم تأثیرگذاری چهار فرضیه پژوهش (نسبت سرمایه‌گذاران نهادی، نسبت مدیران غیرموظف در ترکیب هیئت‌مدیره، وجود مدیرعامل شرکت به‌عنوان رئیس یا نایب‌رئیس هیئت‌مدیره و وجود حسابرسی داخلی) بر میزان مدیریت سود است.

ناظمی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان "رابطه‌ی بین سازوکارهای حاکمیت شرکتی و کارایی مدیریت موجودی کالا" به این نتیجه رسیدند که بین مالکیت شرکتی، مالکیت مدیریتی و مالکیت نهادی با کارایی مدیریت موجودی کالا رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد.

صادق زارعی و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهشی تحت عنوان "بررسی رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و عملکرد شرکت با تأکید بر متغیرهای حاکمیت شرکتی" به بررسی رابطه بین معاملات با اشخاص ثالث و عملکرد مالی شرکت‌ها با تأکید بر حاکمیت شرکتی پرداختند. معامله با اشخاص وابسته می‌تواند بر وضعیت مالی، عملکرد مالی و انعطاف‌پذیری مالی واحد تجاری تأثیرگذار باشد. استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی، وجود معاملات با اشخاص وابسته را نشانه‌ای (دلیلی) احتمالی، برای مدیریت سود می‌دانند و اغلب حسابرسی این گونه معاملات مشکل است زیرا دارای ریسک بالای بالقوه‌ای در حسابرسی می‌باشند. آن‌ها در این پژوهش رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و عملکرد شرکت با تأکید بر متغیرهای حاکمیت شرکتی با استفاده از داده‌های ۹۰ شرکت پذیرفته‌شده در بورس و اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی ۱۳۹۰-۱۳۸۶ مورد بررسی قرار گرفت. همچنین در این پژوهش از نسبت تعداد اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره به کل اعضا و عضویت یا عدم عضویت مدیرعامل در هیئت‌مدیره به عنوان متغیرهای حاکمیت شرکتی استفاده شد. نتایج این پژوهش نشان داد که بین معاملات با اشخاص وابسته و بازده دارایی‌ها رابطه معنی‌دار وجود دارد نشان داد که با وارد کردن متغیرهای حاکمیت شرکتی به مدل، قدرت توضیح‌دهندگی مدل افزایش و تأثیر منفی معاملات با اشخاص وابسته بر عملکرد، کاهش می‌یابد.

قالیباف اصل و رضایی (۱۳۹۱) در پژوهشی به بررسی تأثیر ترکیب هیئت‌مدیره بر روی عملکرد شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج حاصل بیانگر این بود که بین نسبت اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره و عملکرد شرکت، رابطه معناداری وجود ندارد.

نیکو مرام و محمد زاده (۱۳۸۹) در پژوهشی رابطه بین حاکمیت شرکتی و مدیریت سود را مورد بررسی قرار دادند. نتایج آزمون تفاوت میانگین، نشان داد که شرکت‌هایی که دارای حاکمیت شرکتی کافی بوده‌اند (خواه اینکه دارای حاکمیت شرکتی قوی یا ضعیف باشند) اقلام تعهدی اختیاری کمتری دارند یعنی در این گونه شرکت‌ها، مدیریت سود کمتر اتفاق می‌افتد. شرکت‌هایی که دارای حاکمیت شرکتی کافی می‌باشند، در سطوح یکسان توانایی حاکمیت شرکتی نیز دارای اقلام تعهدی اختیاری کمتری هستند و شرکت‌های با حاکمیت شرکتی ضعیف نسبت به شرکت‌های با حاکمیت شرکتی قوی، لزوماً اقلام تعهدی اختیاری بیشتری ندارند. به‌طور کلی، نتایج بیانگر آن است که کفایت حاکمیت شرکتی، نسبت به توانایی حاکمیت شرکتی با مدیریت سود ارتباط

معناداری دارد. بدین ترتیب نتایج گویای این مطلب است که کفایت حاکمیت شرکتی یکی از عوامل تعیین کننده مؤثر بر مدیریت سود است.

خدمتی همپا (۱۳۸۸) در پژوهشی به بررسی ارتباط بین حاکمیت شرکتی و هموارسازی سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند و به این نتیجه رسیدند که بین متغیرهای درصد مالکیت اعضای هیئت مدیره، تعداد اعضای غیرموظف هیئت مدیره و درصد سهام شناور آزاد بر اساس هموارسازی بودن یا غیر هموارسازی بودن سود شرکت تفاوت وجود ندارد و درصد مالکیت اعضای هیئت مدیره، تعداد اعضای غیرموظف هیئت مدیره و درصد سهام شناور آزاد بر هموارسازی سود شرکت تأثیری ندارد، در حالت کلی، نتایج تحقیق نشان می دهد که در سطح اطمینان ۹۵ درصد، حاکمیت شرکتی بر هموارسازی سود تأثیر نداشته است.

فرضیه های پژوهش

با توجه به چارچوب نظری و پیشینه پژوهش و به منظور دستیابی به هدف پژوهش (دارا بودن ارتباط معنادار بین حاکمیت شرکتی و مدیریت سود با استفاده معاملات غیرمعمول با اشخاص) فرضیه های پژوهش به شرح زیر طراحی شده است:

فرضیه ۱. بین اندازه هیئت مدیره و مدیریت سود با استفاده معاملات غیرمعمول با اشخاص وابسته ارتباط معناداری وجود دارد.

فرضیه ۲. بین استقلال هیئت مدیره و مدیریت سود با استفاده معاملات غیرمعمول با اشخاص وابسته ارتباط معناداری وجود دارد.

فرضیه ۳. بین سهامداران نهادی و مدیریت سود با استفاده معاملات غیرمعمول با اشخاص وابسته ارتباط معناداری وجود دارد.

فرضیه ۴. بین یکی بودن مدیرعامل و هیئت مدیره و مدیریت سود با استفاده معاملات غیرمعمول با اشخاص وابسته ارتباط معناداری وجود دارد.

روش شناسی پژوهش

این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی بوده و همچنین از نظر داده ها و زمان گردآوری اطلاعات، از نوع داده های تلفیقی و تاریخی است، زیرا نمونه های موجود، در طول دوره های زمانی مختلف مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرند. روش پژوهش بر اساس خصوصیت موضوع، از نوع توصیفی همبستگی است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۳ است. برای نمونه گیری از روش حذف سامانمند استفاده شده و

بر این اساس نمونه انتخابی پژوهش شامل شرکت‌هایی است که مجموعه شرایط زیر را دارا می‌باشند:

الف. شرکت‌هایی که تاریخ پذیرش آن‌ها در سازمان بورس اوراق بهادار قبل از سال ۱۳۸۷ بوده و تا پایان سال ۱۳۹۳ نیز در فهرست شرکت‌های بورسی باشند.

ب. به‌منظور افزایش قابلیت مقایسه، سال مالی شرکت‌ها منتهی به پایان اسفندماه باشد.

ج. طی دوره موردنظر سال مالی و یا فعالیت خود را تغییر نداده باشند.

د. جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری‌های مالی نباشند (شرکت‌های سرمایه‌گذاری به علت تفاوت ماهیت فعالیت با بقیه شرکت‌ها در جامعه آماری منظور نشدند).

ه. طول وقفه انجام معاملات در این شرکت‌ها طی دوره زمانی مذکور، بیشتر از ۶ ماه نباشد.

پس از اعمال محدودیت‌های فوق، تعداد ۷۰ شرکت به‌عنوان نمونه آماری پژوهش انتخاب شد. داده‌های پژوهش حاضر از صورت‌های مالی، یادداشت‌های توضیحی، گزارش‌های هیئت‌مدیره، لوح‌های فشرده آرشیو آماری و تصویری سازمان بورس اوراق بهادار تهران، پایگاه اینترنتی بورس اوراق بهادار و نیز از نرم‌افزارهای تدبیر پرداز و رهاورد نوین استخراج گردید. تجزیه و تحلیل نهایی داده‌های جمع‌آوری‌شده نیز با استفاده از نرم‌افزار اقتصادسنجی Eviews انجام شده است. برای اثبات یا رد فرضیه‌ها از روش ترکیبی استفاده خواهد شد و از آزمون t جهت آزمون معنی‌داری مدل رگرسیون استفاده خواهد شد.

مدل پژوهش و متغیرهای آن

برای بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی بر محدود کردن مدیریت سود از الگویی که واورو (۲۰۱۴) استفاده نمود، بهره گرفته شده است که الگوی مزبور به شرح زیر است:

$$ABNRPT_{it} = \beta_0 + \beta_1 CGO_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 AGE_{it} + \beta_5 DUIN_{it} \quad (1)$$

که در آن:

متغیر وابسته: که در این پژوهش، متغیر معاملات غیرمعمول با اشخاص وابسته (ABNRPT) است و اندازه‌گیری میزان مدیریت سود از این طریق مورداندازه‌گیری قرار می‌گیرد که از طریق معادله (۲) به دست آمد.

معاملات با اشخاص وابسته: (PLPT) بیانگر معاملات با اشخاص وابسته است.

$$PLPT_{it} = \beta_0 + \beta_1 LEVERGAE_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 MKVET_{it} + \beta_5 DUIN_{it} + \varepsilon_{it} \quad (2)$$

LEVERAGE میانگین: کل بدهی به کل دارایی

MKVE ارزش بازار: ارزش بازار حقوق صاحبان سهام به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام

متغیرهای کنترلی: در این پژوهش مانند پژوهش‌های انجام شده به وسیله نرواتی و وان نردین (۲۰۱۰) و کارمانو و وافیز (۲۰۰۵) متغیرهای کنترلی به شرح جدول زیر است:

جدول ۱. تعریف عملیاتی متغیرهای کنترلی

تعریف عملیاتی	متغیرهای کنترلی
لگاریتم طبیعی مجموع درآمد فروش	اندازه شرکت (LOG SALE)
نسبت مخارج سرمایه‌ای سالانه به مجموع دارایی‌ها	فرصت‌های رشد (CAPEXP/TA)
سود قبل از هزینه‌های مالی و مالیات تقسیم بر مجموع دارایی‌ها	سودآوری (ROA)
متغیر مجازی	صنعت (D)

متغیر مستقل: که در این پژوهش شاخص کیفیت حاکمیت شرکتی (CGO) است. همچنین مطابق پژوهش‌های دانرو و کیم (۲۰۰۵)، براون و کی لر (۲۰۰۶)، عاریف و همکاران (۲۰۰۷) و یانگ و همکاران (۲۰۰۸) عوامل مؤثر بر کیفیت حاکمیت شرکتی که در این پژوهش دخالت داده شده است، به شرح جدول زیر است.

جدول ۲. تعریف عملیاتی متغیرهای مستقل

تعریف عملیاتی	متغیر
تعداد اعضای هیئت مدیره	اندازه هیئت مدیره (BRDSIZE)
متغیر مجازی، اگر رئیس هیئت مدیره، مدیرعامل شرکت هم باشد مقدار یک و در غیر این صورت مقدار صفر می‌پذیرد.	یکی بودن مدیرعامل و رئیس هیئت مدیره (DUAL)
تعداد مدیران غیرموظف تقسیم بر اندازه هیئت مدیره	استقلال هیئت مدیره
درصد سهام متعلق به سهامداران عمده	سهامداران نهادی

تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها

به منظور بررسی مشخصات عمومی متغیرها و تجزیه و تحلیل دقیق آن‌ها، آشنایی با آمار توصیفی مربوط به متغیرها لازم است. جدول (۳)، آمار توصیفی متغیرهای مورد استفاده در پژوهش که شامل بررسی شاخص‌های مرکزی و پراکندگی است، برای نمونه‌ای متشکل از ۷۰ شرکت در فاصله زمانی سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۳ نشان می‌دهد. مقایسه میانگین مشاهدات با میانه آن‌ها و اختلاف اندک آن، حاکی از نرمال بودن توزیع مشاهدات است.

جدول ۳. آمار توصیفی مربوط به متغیرهای مستقل، وابسته و کنترلی پژوهش

متغیر	میانگین	میانه	انحراف معیار	کوچکترین	بزرگترین
بازده دارایی‌ها	۰/۲۷۸	۰/۲۵۴	۰/۲۱۲	۰/۰۱۸	۰/۷۱۲
اندازه شرکت	۱۰/۹۰۲	۱۰/۷۳۰	۰/۶۷۹	۹/۷۳۲	۱۳/۰۲۱
سن شرکت	۳۶/۰۷	۳۴/۸۲	۱۰/۴۲	۹	۶۲
فرصت‌های رشد	۰/۴۸۰	۰/۴۳۸	۰/۸۷۹	۰/۱۳۴	۰/۷۹۴
معاملات غیر معمول با اشخاص ثالث	۰/۶۴	۰/۵۴	۰/۴۸	۰/۳۱	۳/۱۳
اندازه هیئت‌مدیره	۳/۳۴	۳/۲۳	۱/۰۸	۱	۶
استقلال هیئت‌مدیره	۰/۴۱۰	۰/۴۱۳	۰/۲۴	۰	۱
سهامداران نهادی	۰/۶۲۰	۰/۵۲۱	۰/۴۵۰	۰	۰/۹۲۱
یکی بودن مدیرعامل و هیئت‌مدیره	۰/۵۴۰	۰/۴۸۷	۰/۳۸	۰	۲

همان‌گونه که در این جدول ملاحظه می‌شود، مقدار میانگین بازده دارایی‌ها (۰/۲۷۸) حکایت از آن دارد که سود خالص شرکت‌های مورد بررسی به‌طور متوسط معادل ۲۸ درصد ارزش بازار خالص مجموع دارایی‌ها است. اندازه شرکت که از طریق لگاریتم فروش سالیانه شرکت محاسبه می‌شود، دارای مقدار میانگین ۱۰/۹۰۲ و میانه ۱۰/۷۳۰ بوده که حداقل و حداکثر مقدار این متغیر به ترتیب برابر با ۹/۷۳۲ و ۱۳/۰۲۱ است.

انحراف معیار داده‌ها پراکندگی داده‌ها از میانگین را نشان می‌دهد. انحراف معیار کم نشان‌دهنده پراکندگی کم داده‌ها از میانگین و انحراف معیار زیاد نشان‌دهنده پراکندگی زیاد داده‌ها است. متغیر استقلال هیئت‌مدیره با انحراف معیار ۰/۲۴ دارای کم‌ترین پراکندگی از میانگین و متغیر اندازه شرکت با انحراف معیار ۹/۷۳۲ دارای بیشترین پراکندگی از میانگین است. همچنین مبلغ معاملات با اشخاص وابسته به‌طور میانگین، حدود ۰/۶۴ درصد کل دارایی‌های شرکت است.

آزمون فرضیه

در این پژوهش برای داده‌های ترکیبی ابتدا از آزمون F لیتر استفاده می‌شود تا تلفیقی یا تابلویی بودن داده‌ها مشخص گردد. با توجه به نتایج به‌دست آمده از نرم‌افزار Stata که در جدول شماره (۴) ارائه شده است، سطح معناداری برای F لیتر عدد ۰/۰۰۰ است که این مقدار بیانگر رد فرضیه صفر (کارآیی روش تلفیقی) بوده و حکایت از آن دارد که برای تخمین الگوی پژوهش باید از روش داده‌های تابلویی استفاده شود. سپس با توجه به تابلویی بودن الگو، باید برای تعیین نوع داده‌های تابلویی (روش اثرات ثابت یا تصادفی) از آزمون هاسمن استفاده شود. همانطور که در جدول (۴)

نیز ملاحظه می‌شود، سطح معناداری این آزمون، عدد ۰/۰۲۵ است که این مقدار حاکی از ارجحیت استفاده از روش اثرات ثابت در مقابل روش اثرات تصادفی است.

جدول ۴. نتایج انتخاب الگو (آزمون F لیمر و آزمون هاسمن)

نوع آزمون	آماره آزمون	سطح معناداری	نتیجه آزمون
آزمون F لیمر	۶/۲۸۴	۰/۰۰۰	کارایی روش تابلویی
آزمون هاسمن	۱۲/۳۰۴	۰/۰۲۵	کارایی روش اثرات ثابت

الگوی پژوهش با استفاده از تکنیک داده‌های تابلویی مبتنی بر اثرات ثابت و با استفاده از آزمون t جهت آزمون استفاده شده است که نتایج آن در جدول (۵) ارائه گردیده است.

جدول ۵. نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش

متغیرها	ضرایب	خطای استاندارد	آماره t	سطح معناداری
مقدار ثابت	۱/۷۸۴	۰/۳۴۱	۳/۲۱۲	۰/۰۰۰
بازده دارایی‌ها	۰/۵۴۸	۰/۷۳۰	۹/۶۷۹	۰/۰۰۰
اندازه شرکت	۰/۰۶۷	۰/۰۳۲	۲/۸۷۲	۰/۰۰۲
سن شرکت	۰/۴۲۰	۰/۳۸۴	۰/۲۴۷	۰/۰۰۲
فرصت‌های رشد	۰/۰۶۸	۰/۰۳۲	۱/۴۸	۰/۱۸۰
معاملات غیرمعمول با اشخاص ثالث	۰/۰۱۹	۰/۲۳	۲/۱۲۲	۰/۰۳۴
اندازه هیئت‌مدیره	۰/۰۸	۱/۴۱	۱/۰۴	۰/۰۰۰
استقلال هیئت‌مدیره	۰/۶۲۰	۰/۵۲۱	۰/۴۵۰	۰/۰۰۰
سهامداران نهادی	۰/۱۲۴	۰/۰۹۷	۰/۱۲۴	۰/۰۰۰
یکی بودن مدیرعامل و هیئت‌مدیره	۰/۰۱۶	۱/۰۳۲	۰/۶۸	۰/۰۰۴
F آماره	۹/۳۱۲	سطح معناداری		۰/۰۰۰
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۶۰۳	آماره دوربین-واتسن		۲/۰۳۲
روش تخمین مدل		اثرات ثابت		

مقدار آماره F در این جدول، بیانگر معناداری کلی مدل رگرسیونی برازش شده در سطح اطمینان ۰/۹۵ است. با توجه به ضریب تعیین تعدیل شده مدل می‌توان ادعا نمود که حدود ۶۰ درصد از تغییرات شاخص کیفیت حاکمیت شرکتی بر مدیریت سود با استفاده از معاملات با اشخاص وابسته، توسط متغیرهای مدل توضیح داده می‌شود. همچنین، مقدار آماره دوربین-واتسن (۲/۰۳۲) حکایت از عدم وجود مشکل خودهمبستگی دارد. با توجه به معناداری و مناسب بودن مدل رگرسیون برازش شده می‌توان فرضیه‌های پژوهش را به صورت زیر تجزیه و تحلیل نمود:

فرضیه اول پژوهش بیان می‌دارد که بین اندازه هیئت‌مدیره و مدیریت سود با استفاده معاملات غیرمعمول با اشخاص وابسته ارتباط معناداری وجود دارد. همان‌طور که در جدول فوق ملاحظه می‌شود، ضریب برآوردی و آماره t مربوط به متغیر اندازه هیئت‌مدیره مثبت و در سطح ۵ درصد معنادار است. بر این اساس فرضیه اول پژوهش پذیرفته می‌شود.

فرضیه دوم پژوهش بیان می‌دارد که بین استقلال هیئت‌مدیره و مدیریت سود با استفاده معاملات غیرمعمول با اشخاص وابسته ارتباط معناداری وجود دارد. همان‌طور که در جدول فوق ملاحظه می‌شود، ضریب برآوردی و آماره t مربوط به متغیر استقلال هیئت‌مدیره مثبت و در سطح ۵ درصد معنادار است. بر این اساس فرضیه دوم پژوهش تأیید می‌شود.

فرضیه سوم پژوهش بیان می‌دارد که بین سهامداران نهادی و مدیریت سود با استفاده معاملات غیرمعمول با اشخاص وابسته ارتباط معناداری وجود دارد. همان‌طور که در جدول فوق ملاحظه می‌شود، ضریب برآوردی و آماره t مربوط به متغیر سهامداران نهادی مثبت و در سطح ۵ درصد معنادار است. بر این اساس فرضیه سوم پژوهش تأیید می‌شود.

فرضیه چهارم پژوهش بیان می‌دارد که بین یکی بودن مدیرعامل و هیئت‌مدیره و مدیریت سود با استفاده معاملات غیرمعمول با اشخاص وابسته ارتباط معناداری وجود دارد. همان‌طور که در جدول فوق ملاحظه می‌شود، ضریب برآوردی و آماره t مربوط به متغیر یکی بودن مدیرعامل و هیئت‌مدیره مثبت و در سطح ۵ درصد معنادار است. بر این اساس فرضیه چهارم پژوهش تأیید می‌شود.

همچنین از بین متغیرهای کنترلی اندازه شرکت ارتباط مثبت با مدیریت سود دارد و آماره t برابر با $2/872$ بیانگر معنی‌داری اثر این متغیر است. بدین معنی که با افزایش اندازه شرکت، مدیریت سود افزایش می‌یابد. همچنین بر اساس ضریب، افزایش یک واحد در اندازه شرکت منجر به افزایش $0/067$ در معاملات غیرمعمول با اشخاص وابسته می‌شود. بنابراین، در شرکت‌های بزرگ میزان دست‌کاری در فعالیت‌های واقعی بیشتر از شرکت‌های کوچک است. فرصت‌های رشد ارتباط مثبتی را با مدیریت سود نشان می‌دهد. این استدلال نشان می‌دهد که هر چه میزان فرصت‌های رشد سرمایه‌گذاری بیشتر باشد، انگیزه مدیران برای دست‌کاری فعالیت‌های واقعی بیشتر است. سایر متغیرهای کنترلی نیز رابطه معناداری با مدیریت سود دارند.

نتیجه‌گیری و بحث

با توجه به مطالب فوق، پژوهشگر از میان عوامل بسیار زیادی که می‌توانند مورد بحث قرار گیرد، معاملات غیرمعمول با اشخاص وابسته را به‌عنوان شاخصی از مدیریت سود را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد و ضریب حاکمیت شرکتی با معاملات غیرمعمول با اشخاص وابسته به‌عنوان شاخصی از مدیریت سود ارتباط معناداری دارد. به این معنی که با افزایش کیفیت حاکمیت شرکتی (که شامل تعداد اعضا هیئت‌مدیره و استقلال هیئت‌مدیره و مالکیت نهادی و... است)، معاملات غیرمعمول با اشخاص ثالث وابسته کاهش می‌یابد.

بر اساس نتایج تجزیه و تحلیل انجام‌شده در این پژوهش، رابطه معناداری بین حاکمیت شرکتی و معاملات با اشخاص وابسته مشاهده شد. نتایج این پژوهش با نتایج حاصل از مطالعات پیشین همچون، رحمان و ناصر (۲۰۱۰)، زارعی (۱۳۹۱)، جبارج و همکاران (۲۰۱۵) و خدمتی همپا (۱۳۸۸) مطابقت می‌کند. همچنین نتایج پژوهش حاضر با بخشی از نتایج پژوهش چونگ، الدر و کیم (۲۰۰۹) همخوانی دارد. بر اساس پژوهش چونگ، الدر و کیم، فقط برخی از انواع معاملات با اشخاص وابسته، با مدیریت سود در ارتباط است؛ درحالی‌که این یافته با نتایج پژوهش کوکی و همکاران (۲۰۱۱) مطابقت ندارد. بر اساس پژوهش کوکی و همکاران، رابطه معناداری بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود وجود ندارد.

به گفته‌ای دیگر، نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد، هنگامی که شرکت معاملاتی را با اشخاص وابسته انجام می‌دهد، مدیریت سود وجود دارد. از آنجایی که ممکن است ماهیت اساسی رویدادهای اقتصادی معاملات با اشخاص وابسته، به‌طور کامل نشان داده نشود و نیز، چنین معاملاتی در جهت منافع سهام‌داران نباشد، بنابراین سهام‌دارانی که در شرکت‌های دارای معاملات با اشخاص وابسته سرمایه‌گذاری می‌کنند، ممکن است متضرر شوند. از این رو، بهتر است سهام‌داران به دنبال راه‌های دیگری برای مقابله با رفتارهای فرصت طلبانه مدیران باشند تا از منافع مالی خود محافظت کنند؛ بنابراین با توجه به عوامل ذکر شده که در افزایش حاکمیت شرکتی نقش دارند، بهبود حاکمیت شرکتی موجب می‌شود، معاملات غیرمعمول با اشخاص وابسته چون از نوع قیمت متعارف پیروی نمی‌کند (با نرخ کمتر بفروشند یا با نرخ بیشتر بخرند) کمتر می‌شود و سهام‌داران جزء و بانکداران و بستانکاران کمتر ضرر می‌کنند.

پیشنهاد‌های کاربردی پژوهش

۱. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد، هنگامی که شرکت معاملاتی را با اشخاص وابسته انجام می‌دهد، مدیریت سود وجود دارد. از آنجایی که ممکن است ماهیت اساسی رویدادهای

اقتصادی معاملات با اشخاص وابسته، به طور کامل نشان داده نشود و نیز، چنین معاملاتی در جهت منافع سهام‌داران نباشد، بنابراین سهام‌دارانی که در شرکت‌های دارای معاملات با اشخاص وابسته سرمایه‌گذاری می‌کنند، ممکن است متضرر شوند. از این رو، بهتر است سهام‌داران به دنبال راه‌های دیگری برای مقابله با رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیران باشند تا از منافع مالی خود محافظت کنند.

۲. با توجه به آزمون فرضیه، به سرمایه‌گذاران پیشنهاد می‌گردد، از سرمایه‌گذاری در شرکت‌هایی که دارای سهام‌داران عمده و یا معاملات با اشخاص وابسته می‌باشند، خودداری نمایند.

۳. با توجه به آزمون فرضیه، مشخص می‌گردد که سازوکارهای داخلی و خارجی راهبری شرکت با مدیریت سود در ارتباط بوده و راهبری مناسب در شرکت، فرصت‌های مدیریت سود را کاهش خواهد داد.

پیشنهاد‌های برای پژوهش‌های آتی

۱. بررسی رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود در شرکت‌ها، قبل از اولین عرضه عمومی سهام، هم‌زمان با اولین عرضه عمومی سهام و پس از اولین عرضه عمومی سهام و مقایسه آن‌ها با یکدیگر.

۲. بررسی اثر حاکمیت شرکتی با استفاده از شاخص جامع حاکمیت بر مدیریت سود.

۳. سنجش میزان دانش و آگاهی فعالان بازار از مفاهیم و الزامات حاکمیت شرکتی.

۴. بررسی تأثیر شاخص کیفیت حاکمیت شرکتی بر محدود کردن مدیریت سود با استفاده از معاملات غیرمعمول با اشخاص وابسته در شرکت‌های دولتی و خصوصی ایران.

۵. رابطه بین سایر مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی بر میزان مدیریت سود (از جمله حساب‌سان مستقل، کمیته حسابرسی، نظارت قانونی و...).

۶. در این پژوهش نقش حاکمیت شرکتی در صنایع مختلف به طور جداگانه مورد آزمون قرار نگرفته است. پیشنهاد می‌شود نقش حاکمیت شرکتی بر مدیریت سود در صنایع مختلف بررسی شود.

محدودیت‌های پژوهش

۱. با توجه به روش نمونه‌گیری مورداستفاده در این پژوهش بسیاری از شرکت‌های عضو جامعه آماری به دلیل نداشتن برخی ویژگی‌های موردنظر، از نمونه آماری حذف شده‌اند. بنابراین لازم است

در تعمیم نتایج حاصل از پژوهش به کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، احتیاط به عمل آید.

۲. به دلیل در اختیار نبودن برخی مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی، از تعدادی از آن‌ها (سن شرکت و...) استفاده شده است که شاید اگر مکانیسم‌های دیگر بکار گرفته می‌شد، نتایج تغییر می‌کرد.

۳. نظر به تدوین آیین‌نامه نظام راهبری شرکتی در سال ۱۳۸۶ هنوز اقدامی جهت استقرار حاکمیت شرکتی از سوی اکثر شرکت‌های پذیرفته شده در بورس انجام نگرفته است.

۴. به دلیل عدم دسترسی به اطلاعات برخی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس جامعه آماری به ۷۰ شرکت محدود شد. شاید این محدودیت در نتایج اثر گذار بوده باشد.

۵. با توجه به محدود بودن جامعه آماری به شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار که تولیدی و سال مالی آن منتهی به پایان اسفند ماه بوده و عدم استقرار راهبری شرکتی تسری نتایج به سایر شرکت‌ها بایستی با احتیاط انجام شود.

منابع

- Amarjit G, Nahum B, (۲۰۱۲). "The Impact of Corporate Governance on Working Capital Management Efficiency of American Manufacturing Firms", *Managerial Finance*, Vol. ۳۹, pp ۷۵۵-۷۹۱.
- Amihud, Y., & Li, K. (۲۰۱۵). *The declining information content of dividend announcements and the effects of institutional holdings*. *Journal of Financial and Quantitative Analysis*, Vol ۴۱, No ۳. pp ۳۷-۴۲.
- Ariff, A. M. Ibrahim, M. K. and Othman, R. (۲۰۰۷), "Determinants of firm level governance: Malaysian evidence", *Corporate Governance*, Vol. ۷ No. ۵, pp. ۵۶۲-۵۷۳.
- Assadi, A. (۱۳۹۵), "Corporate Governance and Performance of subsidiaries and holding companies in the Tehran Stock Exchange", *financial management strategy Journal alzahra*, Vol. ۴, No. ۱۵, pp. ۱۲۹-۱۵۱. [In Persian]

- Babajani, J. tahriri, A. (۱۳۹۲). "The fundamental factors and market data on earnings management", *Journal of Accounting and Auditing Review*, Vol ۲۰, No. ۱, pp. ۱۹-۳۴. [In Persian]
- Bandi, (۲۰۱۲), "Finance Perspective versus Accounting Perspective: The Case of Earnings Persistence in Indonesia", *International Journal of Economics and Finance*; Vol. ۴, No. ۹. pp ۴۷-۵۸.
- Ball, Ray, Shivakumar, L (۲۰۱۵). "Earnings quality in U. K. private firms: Comparative loss recognition timeliness". *Journal of Accounting and Economics*, Vol ۳۹, No ۱, pp ۸۳-۱۲۸.
- Baltagi, Badi H. (۲۰۰۵), "Econometric Analysis of Panel Data", third edition, *Johan Wiley and Sons*, p ۳۶۶.
- Black, B, Jang, H, Kim, W, (۲۰۰۶). "Does corporate governance predict firms' market values? Evidence from Korea.
- Bauer, R. Guenster, N, Otten, R, (۲۰۰۴). " Empirical evidence On corporate governance in Europe: the effect on stock returns, firm value and performance", *Journal of Asset Management*, No ۵, pp ۹۱-۱۰۴.
- Brown, D. L. and Caylor, M. L. (۲۰۰۶), "Corporate governance and firm valuation", *Journal of Accounting & Public Policy*, Vol. ۲۵, pp. ۴۰۹-۴۳۴.
- Chan, M, (۱۹۹۶), "Possible factors of the accuracy of prospectus earnings forecasts in Hong Kong", *The International J. of Accounting*, No ۳۱, pp۳۸۱-۳۹۸.
- Chi, j. (۲۰۰۵). "understanding the endogeneity between firm value And shareholder rights", *Financial Management*, *Financial Management Assosiation*, pp. ۶۵-۷۶.
- Chung K. H, Zheng H. (۲۰۰۹). "Corporate Governance and institutional Ownership". *Journal of Financial and Quantitative Analysis*; forthcoming; No۱۳, pp ۴۳-۷۰.

- Chung K. H, Elder J, Kim J. (۲۰۰۹). "Corporate Governance and Liquidity". *Journal of financial and Quantitative Analysis*, No۱۰, PP ۱۳-۲۱.
- Clarkson, P. M. (۲۰۰۰), "Auditor quality and the accuracy of management earnings forecasts", *Contemporary Accounting Research*, No۱۷, PP. ۵۹۵-۶۲۲.
- Drobetz, W. Schillhofer, A. Zimmermann, H. (۲۰۰۴). "Corporate governance and expected stock returns: evidence from Germany". *European Financial Management*, No۱۰, pp ۲۶۷-۲۹۳.
- Durnev, A. Kim, E. H., (۲۰۰۵). "To steal or not to steal: firm attributes, legal environment, and valuation". *Jour(l)f Finance*, No ۶۰, pp ۱۴۶۱-۱۴۹۳.
- Elsayed, kh.Wahba, H. (۲۰۱۳). "Reinvestigating the Relationship between Ownership Structure and Inventory Management: a Corporate Governance Perspective", *International Journal of production Economics*, No۳۱, pp ۱۸-۳۶.
- Esmail zadeh moghari, A. Jalili, M, zand Abbas abadi, A. (۱۳۸۹). "The effect on earnings quality in the Tehran Stock Exchange corporate governance", *Journal of Management Accounting*, Vol. ۳, No. ۷, pp. ۷۹-۹۱. [In Persian]
- Ghalibaf, H. Rezaei, F. (۱۳۹۱). "The effect of the Board on the performance of companies listed in the Tehran Stock Exchange," *Financial Research*, Vol ۹, No ۲۳, Pp ۳۳-۴۸... [In Persian]
- Ghodrati, H, Fizi, S. (۱۳۹۴), "The impact of corporate governance on the level of earnings management in Tehran Stock Exchange market", *accounting knowledge*, Vol ۱۴, No. ۵۸, pp. ۲۰۵-۲۳۲. [In Persian]
- Gompers, P, Ishii, J, Metrick, A, (۲۰۰۳). "Corporate governance and equity prices". *Quarterly Journal of Economics*, No ۱۱۸, pp ۱۰۷-۱۵۵.
- Gordon, E. A. and Henry, E. (۲۰۰۵). *Related Party Transactions and Earnings Management*. Retrieved from <http://papers.ssrn.com/sol3/>

papers. Cfm? abstract_id=۶۱۲۲۳۴&rec=۱&srcabs=۹۹۳۵۳۲&alg =۱& pos = ۱.

- Hsiao N (۲۰۰۳), "Analysis of Panel Data", ۲nd Edition, Cambridge University Press, No ۴, PP. ۱-۲۴.
- Jebaraj S, Benjamin M, Mat Z, (۲۰۱۵), "Corporate governance and dividends payout: are they substitutes or complementary?", *Journal of Asia Business Studies*, Vol ۹, No ۲, pp. ۱۷۷ – ۱۹۴.
- Jensen, M. C. and Meckling, W. (۱۹۷۶). "The theory of the firm: Managerial Behavior, Agency Costs and Ownership Structure", *Journal of Financial Economics*, Vol. ۳, p ۳۵-۶۰.
- Hafeznia, M R, (۱۳۸۸), "an introduction to research methods in the humanities", *research organizations and universities Textbooks... [In Persian]*
- Hasas yeganeh, y, Baghumian, R. (۱۳۸۴). "Corporate governance and quality of financial reporting", *Journal of CPAs, January issue*, pp. ۴۵-۸۶. [In Persian]
- Hasas yeganeh, y, raeesi, Z. Hosseini, S M. (۱۳۸۸). "The relationship between corporate governance and performance of listed companies in Tehran Stock Exchange". *Journal of Management Science*, Vol. ۴, No. ۱۳, pp. ۷۵-۱۰۰. [In Persian]
- Heidarpour, F, Taherverdy, M., (۱۳۹۴), " The impact of earnings management on the relationship between corporate governance and earnings quality ", *Journal of Accounting and Auditing*, Vol. ۴, No. ۱۵, pp. ۴۲-۵۸. [In Persian]
- Kamyabi, Y, Bvzh Mehrani, E. Mohammadi, P. (۱۳۹۵), "The relationship between the related party transactions and the gap between the control and ownership controlling shareholder of the end", *Journal of strategy, financial management*, Vol. ۴, No. ۱۵, Pp۴۵-۶۵. [In Persian]

- Karamanou, I. and Vafeas, N. (۲۰۰۵), "The association between corporate boards, audit committees, and management earnings forecasts: an empirical analysis", *Journal of Accounting Research*, Vol. ۴۳, pp. ۴۵۳-۴۸۶.
- Khedmati Hampa, H, Mohammad-Zadeh, H. (۱۳۸۸), "The Relationship between Corporate Governance and smoothing the companies listed in the Tehran Stock Exchange", *Islamic Azad University accounting graduate thesis. [In Persian]*
- Klein A, (۲۰۰۲), "Audit Committee, Board of Director Characteristic, and Earning Management", *Journal of Accounting and Economic*, Vol ۳۳. PP ۱۳-۱۹.
- Kohlbeck, M. and Mayhew, B. (۲۰۰۴). "Agency Costs, Contracting and Related Party Transactions". Retrieved from http://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=۵۹۲۵۸۲.
- Kouki, M. Elkhaldi, A. Atri, H. Souid, S. (۲۰۱۱). "Does Corporate Governance Constrain Earnings Management? Evidence from U. S. Firms". *European Journal of Economics, Finance and Administrative Sciences*, No ۳۵. PP. ۵۸-۷۱.
- Laura, S, Garcia. E, Ruiz B, Manuel, O. (۲۰۱۲). "Audit committee and internal audit and the quality of earnings: empirical evidence from Spanish companies". *Journal of management and governance*, Vo۱۶, No ۲, pp ۳۰۵-۳۳۱.
- Lin, L, Wu, C. M, Fang, T. Y. & Wun, G. C. (۲۰۱۴). "The relation among accounting conservatism, institutional investors and earnings manipulation". *Economic Modeling*, No ۳۷, pp ۱۶۴-۱۷۴.
- Mashaiekh, SH, Esmaeili, M. (۱۳۸۵). "The relationship between earnings quality and some aspects of governance in companies listed in Tehran Stock Exchange". *Evaluation of accounting and auditing*, Vol ۱۳, No ۴۵, pp. ۲۴-۴۵... [In Persian]
- Mousavi shiri, S M, pishvaie, F, khalat Barry, H. (۱۳۹۵). "Evaluation of earnings management at different levels of conservatism and institutional

- investors using Benford's Law", Review of Accounting and Auditing, Vol ۲۳, No. ۲, pp. ۲۱۳-۲۳۴... [In Persian]*
- *Najjar, B. and Taylor P. (۲۰۰۸). "The Relationship between Capital Structure and Ownership". Managerial finance, Vol. ۱۲, pp. ۹۱۹-۹۳۳.*
 - *Nazemi, A, Momtazyan, A R, Salehnia, M. (۱۳۹۳). «the relationship between corporate governance mechanisms and efficiency of inventory management ", Journal of Financial Accounting empirical studies, Vol ۱۱, No. ۴۲, pp. ۱۵۹-۱۸۶. [In Persian]*
 - *Nelson M. Waweru (۲۰۱۴), "Determinants of quality corporate governance in Sub-Saharan Africa", Downloaded by New York University at ۲۳: ۲۱ ۱۸.*
 - *Nikomaram, H. Mohammad Salteh. H, (۱۳۸۹). "A model to explain the relationship between corporate governance and earnings quality". Journal of Management Accounting, Vol ۳, No ۴, Pp ۵۹ -۸۰. [In Persian]*
 - *Nurwati A, Van NAardin,S. (۲۰۱۰), "Corporate governance and earnings forecasts accuracy", Asian Review of Accounting, Vol. ۱۸, No. ۱, PP. ۵۰-۶۷.*
 - *Parkinson, J. E. (۱۹۹۴), "Corporate Power and Responsibility", Oxford University Press, Oxford.*
 - *Raheman A, Nasr, S. (۲۰۰۷), "Working Capital Management And Profitability-Case Of Pakistan Firms", International Review of Business Research Papers, Vol ۳, Pp. ۲۷۹ – ۳۰۰.*
 - *Rakhshan, Z. Saleh nezhad, S H. Mousavi Shiri, S M. (۱۳۹۳). "The role of corporate governance in related party transactions", MS Thesis Accounting, PNU city of Mazandaran. [In Persian]*
 - *Ramasay, a, oei, r, and p. mather, (۲۰۰۵), " earning quality and its relationship with aspects of corporate governance: an investor perspective". Accounting & financial association of Australia and newziland.*
 - *Sadegh. Zarei, M, heidarpour, F, Hejazi, R. (۱۳۹۱). "The relationship between firm performance with an emphasis Brmtghyrhay related party*

transactions and corporate governance", Master Thesis, School of Accounting and Management, Islamic Azad University Central Tehran Branch. [In Persian]

- Senta-atmaja, L. jento, h and George, t, (۲۰۰۸), "earnings management, board structure and family ownership ". department of accounting and finance. monash university. ۲۸th February.
- Sheari, S, Hamidi, E. (۱۳۹۱), "Identifying incentives related party transactions", *Empirical Research in Accounting, Vol ۲, No ۶, Pp ۴۹-۶۴. [In Persian]*
- Sinan S. Abbadi, Qutaiba F. Hijazi, Ayat S. Al-Rahahleh, (۲۰۱۶), "Corporate Governance Quality and Earnings Management: Evidence from Jordan", *Australasian Accounting Business and Finance Journal, Vol ۱۰, No ۲, pp ۵۴-۷۵.*
- Sivaramakrishnian, K, Shaokun C, Yu, A (۲۰۰۸), " on the Association Between Corporate Governance and Earning Quality", [http: //ssrn. Com](http://ssrn. Com).
- Tangjitprom, N. (۲۰۱۳). "The Role of Corporate Governance in Reducing the Negative Effect of Earnings Management". *International Journal of Economics and Finanace, Vol ۵, No ۳, pp ۲۱۳-۲۲۰.*
- Tricker, R. (۱۹۹۴). "International Corporate Governance", Singapore: Prentice- Hall.
- Waweru, N, M (۲۰۱۴), "Determinants of quality corporate governance in Sub-Saharan Africa", Downloaded by New York University at ۲۳: ۲۱ ۱۸.
- Young, M. N. Peng, M. W. Ahlstrom, D. Bruton, G. D. and Jiang, Y. (۲۰۰۸), "Corporate governance in emerging economies: a review of the principal-principal perspective", *Journal of Management Studies, Vol. ۴۵, No. ۱, pp. ۱۹۶-۲۲۰.*